

# فیلم سیم‌نمایی

-نویسنده: مهدی باتقوا  
-تصویرگر: شهاب شاه محمدی

زمستان بود. وضع صف صبحگاه به اوضاع هوا  
رفته بود، آشفته و درهم. کمتر صبحگاه تشکیل  
می شد و بیشتر اوقات بچه ها توی راهروی  
مدرسه، که سرد نبود، صبحگاه می گرفتند. سرد  
بود ولی زیاد سرد نبود. گله بان، میرکی را بغل  
کرد و گفت: «کنده!»



چوپان ها، زمستان که می شد، زمین را می کندند و  
زیرزمینی درست می کردند که بتوانند گوسفندان شان  
را تویش جا بدهند. موقع خواب هم، گوسفندی را  
بغل می کردند تا گرمشان شود. به آنجا می گفتند:  
«کنده.»



صبح ها هرکس زودتر به مدرسه می رسید